

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پروفیسور جیمز پتراس
برگردان از: حمید محوی
۲۰ نومبر ۲۰۱۳

اسرائیل کنگره ایالات متحده را خریداری کرده است :

تخریب مذاکرات ایالات متحده و ایران



گروه سیاسی مدافع اسرائیل مانند کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل با بودجه نامحدود به هدف منحرف ساختن سیاست امریکا در منطقه خاورمیانه فعالیت می کند. « (جک استراو، عضو حزب کارگر در پارلمان و وزیر اسبق امور خارجه بریتانیای کبیر.)

«ایالات متحده امریکا باید یک بمب اتمی روی ایران پرتاب کند تا این کشور را از برنامه هسته‌ای اش بازدارد.» (شلدون آدلسون، بزرگترین اعطا کننده کمک مالی به حزب جمهوریخواه و بزرگترین گردآورنده صندوق مالی برای کمیته مدافعان سیاسی اسرائیل، بیانیه در دانشگاه یشیوا در نیویورک، ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۳ .

مسأله جنگ یا صلح با ایران به تصمیم‌گیری کاخ سفید و کنگره بستگی دارد. گشایش‌های صلح‌آمیز روحانی، رئیس‌جمهور ایرانی که اخیراً برگزیده شده، در سراسر جهان انعکاس مثبتی داشت، البته به جز در اسرائیل و نزد طرفداران صهیونیست آن در امریکای شمالی و در اروپا.

نخستین جلسه مذاکرات بی‌هیچ‌تشنجی برگزار گردید و موجب تحول خوش‌بینانه‌ای بین هر دو طرف مذاکره شد. مشخصاً به دلیل همین توافق‌مقدماتی، دولت اسرائیل به جنگ تبلیغاتی‌اش علیه ایران شدت بخشید. مأموران اسرائیلی در کنگره، در رسانه‌ها و مدیریت آن به هدف تضعیف روند صلح دست به کار شدند. آنچه در این‌جا مورد بررسی قرار می‌دهیم، قابلیت اسرائیل در جنگ‌هائی است که به شکل نیابتی به کمک ارتش ایالات متحده و هم‌پیمانانش در ناتو علیه هر دولتی که به برتری نظامی اسرائیل در خاورمیانه، و به‌ضمیمه‌سازی خشونت‌آمیز سرزمین فلسطین معترض شود راه‌اندازی می‌کند، و قابلیت آن در حمله علیه هر صدای مخالف که بی‌هیچ‌هراسی از مجازات به‌اجراء می‌گذارد. برای درک موضوعی که در این مذاکرات صلح مطرح است، باید به نتایج شکست آن فکر کنیم: زیر فشار اسرائیل، واشینگتن در مورد فعال‌سازی نیروهای نظامی‌اش اعلام‌آمادگی کرده است - به شکل عینی موضوع عبارت است از حمله موشکی و اردوی بمباران علیه ۷۶ میلیون ایرانی، به هدف تخریب دولت و اقتصاد آنها - تهران نیز می‌تواند در پاسخ به چنین خشونت، پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه و سامانه‌های نفتی خلیج را هدف بگیرد، یعنی روندی که می‌تواند به تحریک بحران جهانی بینجامد. این چیزی است که اسرائیل خواهان آن است. در اینجا ما با بررسی موضوع برتری نظامی اسرائیل در خاورمیانه آغاز می‌کنیم، سپس به بررسی قدرت باورنکردنی نفوذ اسرائیل در روند سیاست ایالات متحده می‌پردازیم، و به همین‌گونه چگونگی دستکاری در روند مذاکرات امروز، با تکیه بیشتر روی قدرت اسرائیل در کنگره.

در زمینه برتری نظامی اسرائیل در خاورمیانه

پس از پایان جنگ دوم جهانی، اسرائیل بیش از هر قدرت استعمارگر دیگری در گذشته، به جز ایالات متحده، سرزمین‌های خاورمیانه و افریقا را بمباران کرده و به اشغال خود درآورده است. فهرست قربانیان عبارت است از: فلسطین، سوریه، لبنان، مصر، عراق، اردن، سودان و یمن. اگر بخواهیم دولت‌هائی را نیز به حساب بیاوریم که اسرائیل علیه آنها حمله تروریستی مخفیانه انجام داده، فهرست قربانیان به شکل قابل ملاحظه‌ای وسعت بیشتری خواهد یافت و باید یک دوجین کشور اروپائی و آسیائی و حتی خود ایالات متحده را نیز به آن بیفزائیم.

گستره قدرت نظامی اسرائیل و قابلیت این کشور در راه‌اندازی جنگ‌های دلخواه تهاجمی همواره همراه است با مجوز تقریباً تمام و کمال. با وجود نقض تکراری حقوق بین‌الملل، به انضمام جنایات جنگی، اسرائیل هرگز توسط یک دادگاه بین‌المللی محکوم و یا تحریم اقتصادی نشد زیرا واشینگتن در شورای امنیت سازمان ملل متحد از حق و تو استفاده می‌کند که در عین حال از پشتیبانی هم‌پیمانان او در ناتو و اتحادیه اروپا نیز برخوردار است. برتری نظامی اسرائیل کمتر به شکوفائی تکنولوژی صنایع نظامی نزد جنگ‌افروزان بستگی دارد و بیشتر حاصل انتقال و دزدی ساده از تکنولوژی هسته‌ئی، کیمیائی و بیولوژیک و سلاح‌های ایالات متحده است. تحقیقاتی که توسط رئیس‌قدیمی سازمان سیا، ریچارد هلمز انجام گرفته نشان می‌دهد که صهیونیست‌های فرادریائی، در ایالات متحده و در فرانسه، نقش مهم و ستراتیژیک در دزدی و انتقال غیر قانونی فن‌آوری هسته‌ئی و تجهیزات نظامی برای اسرائیل به عهده داشته‌اند.

اسرائیل دارای انبار سلاح‌های بیولوژیک است و به بازرسان بین‌المللی اسلحه نیز اجازه ورود به این انبارها را نمی‌دهد. اسرائیل در عین حال با تکیه به مداخلات دیپلماتیک جانبدارانه ایالات متحده از پذیرش منشور منع گسترش سلاح‌های هسته‌ئی و کیمیائی امتناع کرده است. تحت تأثیر فشارهای «اتحادیه قدرت‌های صهیونیستی»، واشینگتن راه هر

گونه اعتراض علیه تولید سلاح کشتار جمعی توسط اسرائیل را مسدود کرده است. در واقع، ایالات متحده با نقض قوانین بین المللی، اسرائیل را به سلاح های ستراتیژیک کشتار جمعی مجهز می سازد تا آن را علیه همسایگان خود به کار برد.

طی نیم قرن گذشته، کمک های نظامی ایالات متحده و انتقال تکنولوژی به اسرائیل از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار گذشته است. طی جنگ ۱۹۷۳، برای نجات اسرائیل، مداخلات دیپلماتیک و نظامی ایالات متحده امری حیاتی بود. طی سال ۱۹۷۶ لیدون جانسون با مردود دانستن دفاع از ناو اطلاعاتی «یواس اس لیبرتی» که به تجهیزات رزمی مسلح نبود و توسط کشتی های جنگی در آب های بین المللی و هواپیماهای جنگی اسرائیلی (زیر پرچم دروغین) با بمب ناپالم مورد حمله قرار گرفته بود، به یمن مشاوران صهیونیست جانسون پیروزی بزرگی را از آن اسرائیل ساخت. به دلیل بی مجازات ماندن اسرائیل، حتی وقتی که نظامیان ایالات متحده را به هلاکت می رساند، در نتیجه دست هایش برای راه اندازی جنگ های تجاوز کارانه و تسلط بر همسایگانش باز می ماند، و می توان بی آن که ترسی از مجازات داشته باشد، دست به هر گونه عملیات تروریستی بزند و رقیبانش را در سر تا سر جهان به قتل رساند.

برتری نظامی انکار ناپذیر اسرائیل موجب گرایش چندین کشور همسایه به همکاری با آن شد: مصر و اردن عملاً به عنوان متحد به خدمت اسرائیل درآمدند، به انضمام رژیم های سلطنتی خلیج (مترجم: خلیج فارس) که در سرکوب رژیم های ملی گرا و مدافع فلسطین در منطقه در کنار اسرائیل قرار گرفتند.

مهمترین عامل تعیین کننده در جهش و تثبیت قدرت اسرائیل در خاور نزدیک فن آوریهای نظامی نبوده، بلکه برد سیاسی و نفوذی است که توسط میانجیگران و آدم هایش در ایالات متحده اعمال می کند. جنگ های واشینگتن علیه عراق و لیبیا، و به همین گونه پشتیبانی کنونی از مزدوران مسلح علیه سوریه، سه مخالف ناسیونالیست و لائیک مهم را قربانی تمایلات برتری جویانه اش کرد.

اسرائیل با کسب قدرت، و تداوم اشغال سرزمین فلسطین، نگاه خود را به سوی شرق منعطف می سازد تا آخرین مانع سیاست استعماری اش را ویران کند: یعنی ایران.

دست کم از دو دهه پیش، اسرائیل از مأمورانش در خارج خواسته است که دست به تخریب ایران بزنند و با قتل متخصصان علمی، با بمباران مراکز نظامی و آزمایشگاه ها و محاصره اقتصادی جامعه ایران را بی ثبات سازند.

پس از آن که اتحادیه قدرتهای صهیونیستی موفق شدند که سال ۲۰۰۳ ایالات متحده را به جنگ علیه عراق تشویق کنند - با تکه پاره کردن عینی جامعه مدنی عراق و کشتار بیش از یک میلیون عراقی - تخریب لبنان (حزب الله) و دولت لائیک سوریه را به اجراء گذاشتند تا با منزوی سازی ایران، حمله دیگری را تدارک ببینند. سال ۲۰۰۶ در حالی که هزاران شهروند لبنانی را به قتل رساندند، ولی با وجود پشتیبانی دولت ایالات متحده و اردوی تبلیغاتی بی بند و بار، حمله اسرائیل به لبنان با شکست مواجه شد. از آنجائی که تحت تأثیر شکست در لبنان دچار هیستری شده بود و برای جبران شکست در مقابل حزب الله، و ترمیم روحیه از دست رفته، سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ اسرائیل نوار غزه را اشغال کرد و - بزرگترین زندان جهان با سقف باز به روی آسمان - بخش بزرگی از آن را به ویرانی کشاند.

در فقدان توان نظامی برای حمله به ایران، اسرائیل مأمورانش را به کار گماشته تا واشینگتن را برای حمله علیه تهران بفریبند. رهبران نظامی گرا در تل آویو امکانات سیاسی خود را در ایالات متحده بسیج کرده اند تا طرح تخریب ایران، یعنی آخرین رقیب خطرناک برای برتری اسرائیل در خاور نزدیک را تدارک ببینند.

ستراتیژی اسرائیل و اتحادیه قدرت های صهیونیستی بر آن است تا با به کار بستن مأمورانش در قوه اجرائیه و به همین گونه از طریق خریداری کردن آن و کنترل کنگره، راه را برای برخورد بین ایران و ایالات متحده هموار سازد. کنترل اتحادیه قدرت های صهیونیستی روی رسانه ها، اردوی تبلیغاتی آن را تشکیل می دهد: هر روز نیویارک تایمز و

واشینگتن پست برای تبلیغات جنگی اسرائیل مقاله منتشر می کنند. اتحادیه قدرت های صهیونیستی وزارت امور خارجه ایالات متحده را تشویق می کند تا کشورهای دیگر در ناتو را به درگیری با ایران وادارد.

جنگ نیابتی اسرائیل علیه ایران : فشار سیاسی ایالات متحده، تحریم اقتصادی و تهدید نظامی

کمترین ابعاد جنگ اسرائیل علیه ایران عبارت بوده است از ترور سایبرنتیک، قتل متخصصان علمی ایران توسط مأموران مزدور در بطن گروه های تروریست و گفتارهای دائمی سیاستمداران اسرائیلی و خیل بله قربان بله قربان گویان آنها. در خارج از اسرائیل، این اردوی جنگی انعکاس اندکی روی افکار عمومی داشته است. جنگ اسرائیل علیه ایران اکیداً به قابلیت این کشور در متأثر ساختن سیاست ایالات متحده به وسیله مأموران محلی، گروه هایی که در کنگره نفوذ دارند و از طریق گزینش کارمندان برای پست های کلیدی در وزارت خزانه داری، تجارت و دادگستری، و پست هایی مانند مشاور امور خاور نزدیک.

اسرائیل نه قادر به راه اندازی اردوی تحریم مؤثری علیه ایران است و نه می تواند با اعمال نفوذ در قدرتهای بزرگ دست به چنین کاری بزند. تنها ایالات متحده باقی می ماند که می تواند چنین تحریماتی را سازماندهی کند. تسلط اسرائیل بر خاور نزدیک کاملاً به بسیج نمایندگان در ایالات متحده بستگی دارد که تضمین تبعیت کامل نمایندگان برگزیده در رابطه با منافع اسرائیل و به ویژه در رابطه با مسائل مرتبط به رقبای اسرائیل در منطقه به عهده آنها واگذار شده است. با گزینش جایگاه های ستراتیژیک، شهروندانی با «ملیت مضاعف امریکائی-اسرائیلی» از وضعیت خودشان به عنوان شهروند امریکائی استفاده کرده و پست های عالی را در بطن دولت به خود اختصاص می دهند، و بر این اساس مستقیماً در اتخاذ سیاست های مرتبط به اسرائیل دخالت دارند. به عنوان اسرائیلی، فعالیت هایشان منطبق بر فرامین تل آویو است. در دولت بوش (۲۰۰۱-۲۰۰۸) این مقامات عالی، «مقدماسرائیلی» بر پنتاگون حاکم بودند (پل ولفویچ، دوگلاس فیت)(۱)، امور امنیتی خاور نزدیک (مارتین اندیک، دنیس راس)(۲)، دفتر معاون رئیس جمهور (لوی لیبی ملقب به اسکوتر)(۳)، وزارت خزانه داری (استوارت لیوی)(۴) و امنیت ملی (میچل شرتوف)(۵).

در دولت اوباما «مقدماسرائیلی» شامل دنیس راس، راهم امانوئل(۶)، دیوید کوهن(۷)، مشاور امور خزانه داری جک لو ملقب به «جک ماریاز» (۸)، مشاور امور تجاری پنی پریترزکر و میچل فرومن (۹) در مقام نماینده تجاری، و دیگران.

قدرت نیابتی اسرائیل در بطن قوه مجریه با تسلطش بر کنگره قابل مقایسه است. خلاف برخی منتقدان، اسرائیل نه متحد و نه مشتری ایالات متحده است. مناسبات نامتقارن طی نیم قرن گذشته گواه بر این واقعیت است. به دلیل مأموران پر نفوذ در کنگره و در بطن قدرت مجریه، اسرائیل طی سی سال گذشته بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از ایالات متحده دریافت کرده، یعنی بیش از ۳ میلیارد دلار در سال. پنتاگون فن آوری نظامی پیشرفته به اسرائیل منتقل کرده و پای ثابت چندین جنگ به حساب اسرائیل بوده است. خزانه داری ایالات متحده با تحمیل محاصره اقتصادی مانع سرمایه گذاری هایی شد که پتانسیل بهره برداری بسیار زیادی در خاور نزدیک داشت (ایران، عراق و سوریه) و بر این اساس بخش کشاورزی، صنعتی و شرکت های نفتی محروم شدند، یعنی درآمدی معادل ۵۰۰ میلیارد دلار.

کاخ سفید زندگی بیش از ۴۴۰۰ سرباز ایالات متحده را در جنگ عراق قربانی کرد، یعنی در جنگی که توسط نمایندگان اسرائیلی و به خواست رهبران اسرائیلی راه اندازی شده بود. وزارت امور خارجه از مناسبات دوستانه و پر درآمد با یک میلیارد و نیم مسلمان جهان قطع نظر کرد تا از اشغال غیر قانونی و نظامی خاک فلسطین در کرانه باختری رود اردن و اورشلیم توسط نیم میلیون اشغالگر یهودی پشتیبانی کند.

پرسش ستراتیژیک این است که چرا و چگونه رابطه یکجانبه بین ایالات متحده و اسرائیل حتی در صورتی که به ضرر منافع ستراتیژیک ایالات متحده تمام شده این همه به طول انجامیده است؟ فوری ترین و مهمترین پرسش این است که چگونه این مناسبات تاریخی نامتعادل تحریم های امریکا علیه ایران و گفت و گو پیرامون موضوع هسته ئی را متأثر می سازد؟

ایران و مذاکرات صلح

بی گمان رئیس جمهور ایرانی که به تازگی انتخاب شده و وزیر امور خارجه با اهداء امتیازات اساسی به عنوان تضمین برای کاربست صلح آمیز انرژی هسته ئی آماده مذاکره برای پایان بخشیدن به مخاصمات هستند. آنها اعلام کردند که حاضراند تولید اورانیوم خیلی غنی شده را تقلیل بدهند و حتی متوقف کنند، و از تعداد سانتریفوژ هایشان بکاهند، و باز هم حتی به بازرسان به شکل سرزده اجازه بازرسی دهند و پیشنهادات امیدوار کننده دیگر. دولت ایران برنامه عملیاتی با اهداف نهائی در چهار چوب توافقات اولیه را پیشنهاد کرد، و کاترین اشتون نماینده عالی امور خارجه اتحادیه اروپا نیز نخستین حلسه را امیدوارکننده دانست.

دولت ایالات متحده پس از دعوت ایران و نخستین جلسه، واکنش های متناقضی از خود نشان داد. برخی تفاسیر فردی به احتیاط آن را مثبت ارزیابی کردند، برخی دیگر موضع سخت گیرانه ای نشان دادند و چندان تشویق کننده نبودند. صهیونیست ها در دولت امریکا مانند جک لو، مشاور امور خزانه داری اصرار دارد که تحریم ها تا زمانی که ایران تمام خواست های ایالات متحده (یعنی اسرائیل) را بپذیرد ادامه یابد. کنگره خریداری شده به رهبری اتحادیه قدرت های صهیونیستی پیشنهادات امیدوار کننده و انعطاف پذیر ایران را نپذیرفتند و روی گزینش راه حل نظامی و روی انحلال قطعی تمام برنامه هسته ئی قانونی و صلح آمیز ایران پافشاری کردند. موضع گیری اتحادیه قدرتهای صهیونیستی بر اساس مختل ساختن مذاکرات است. از همین رو، کنگره تحریم های اقتصادی تازه و شدیدتری را برای خفه کردن اقتصاد نفتی ایران به تصویب رساند.

چگونه اسرائیل از طریق هیأت های عملیات سیاسی اش کنگره را تحت نظر داشته و طرح جنگ علیه ایران را به پیش می برد؟

قدرت صهیونیستی از قدرت آتش مالی اش برای تحمیل سیاستی که کنگره باید در خاور نزدیک بکار ببندد و به همین گونه برای نظارت بر سنای ایالات متحده که یک میلیونر از منافع اسرائیل فاصله نگیرد، استفاده می کند. ابزار کار قدرت صهیونیستی برای خرید نمایندگان برگزیده ایالات متحده کمیته عملیات سیاسی است.

به یمن اتخاذ تصمیم دادگاه عالی به سال ۲۰۱۰، کمیته عملیات سیاسی صهیونیستی مبالغ هنگفتی را برای انتخاب و یا کنار زدن نامزدهای انتخاباتی اختصاص می دهد. این کمیته برای اسرائیل کار می کند. تا وقتی که این بودجه ها مستقیماً به نامزدهای انتخاباتی پرداخت نشود، این کمیته عملیات سیاسی صهیونیستی مبالغی را که خرج کرده اند و چگونه خرج کرده اند را می توانند پنهان نگهدارند و آشکار نسازند. گمانه زنی های محتاط بودجه های مستقیم و غیر مستقیمی که مرتبط به مناسبات کمیته عملیات سیاسی صهیونیستی و پارلمانی های ایالات متحده می شود را نزدیک به ۱۰۰ میلیون دالر طی ۳۰ سال گذشته اعلام کرده اند. اتحادیه قدرت صهیونیستی این بودجه ها را عموماً به قوه قضائیه هدایت می کنند و به ویژه به اعضای کمیته کنگره که در سیاست خارجی دخالت دارند و به ویژه نمایندگانی که به امور خاور نزدیک می پردازند.

بی هیچ شگفتی، بیشترین امتیازات مالی در کنگره از بودجه اتحادیه قدرت صهیونیستی از آن‌هایی می‌گردد که فعالانه از سیاست‌های اسرائیل دفاع کرده‌اند. در کشورهای دیگر، چنین انتخاباتی جرم محسوب می‌شود و برای هر دو طرف چنین جرمی موجب زندانی شدن هر دو خواهد شد. ولی در ایالات متحده خرید و فروش رأی مردان سیاسی «لایبی‌گری» نام دارد، قانونی و آزاد است. بخش قضائی دولت ایالات متحده به تجمع در یک عشرتکده لوکس یا فروش به ضرب چکش حراج تقلیل یافته ولی اینجا سرنوشت زندگی هزاران انسان است که به بازی گرفته شده.

گروه صهیونیستی پشتیبانی نمایندگان کنگره را در سطح گسترده خریداری کرده است: از ۴۳۵ عضو اتاق نمایندگان، ۲۱۹ نفر به ازای رأی موافق برای اسرائیل پول دریافت کرده‌اند. بزهداری نزد ۱۰۰ سناتور از این حد نیز فراتر است، زیرا ۹۴ نفر از آنها به ازای وفاداری به اسرائیل پول دریافت کرده‌اند.

گروه صهیونیست به همان شکلی که به حساب جمهوری خواهان پول می‌ریزد به حساب دموکراتها نیز پول واریز می‌کند و به همین علت به شکل باور نکردنی از هر دو سو به نفع اسرائیل رأی موافق صادر می‌شود به انضمام جنایات جنگی مثل بمباران غزه و لبنان و به انضمام ۳ میلیارد دلار در سال از حساب مالیات دهندگان امریکائی برای تل‌آویو.

دست کم ۵۰ سناتور بین ۱۰۰۰۰۰ و یک میلیون دلار هر یک از کمیته قدرت صهیونیستی طی این دهه‌های اخیر پول دریافت کرده‌اند. در ازای رشوت‌هایی که گرفتند برای بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بودجه برای اسرائیل رأی داده‌اند... علاوه بر «خدمات و پرداخت»‌های دیگر. نمایندگان پارلمان ارزان‌تر هستند: ۲۵ نماینده پارلمان بین ۲۳۸۰۰۰ و ۵۰۰۰۰۰ دلار دریافت کرده‌اند، در حالی که بقیه خرده پول گرفته‌اند. رقم دریافت شده هر اندازه باشد نتیجه یکی است: اعضای کنگره متن را از سوی مشاوران صهیونیست در کمیته عملیات سیاسی، قدرت‌های بزرگ صهیونیستی دریافت می‌کنند. آنها از تمام جنگ‌های اسرائیل در خاور نزدیک پشتیبانی می‌کنند و به محرک و مشوق تجاوزات ایالات متحده به نفع اسرائیل تبدیل می‌شوند.

سخت‌ترین قانونگذاران و پرنفوذترینشان بالاترین سهم‌ها را می‌گیرند: سناتور مارک کیرک (۱۰) (که بمب روی تهران را پیشنهاد کرد) با ۹۲۵۰۰۰ دلار دریافتی از کمیته عملیات سیاسی در رأس فهرست لاشخورها قرار دارد، در پی او جان مک‌کین (۱۱) (که بمب روی دمشق را پیشنهاد کرد) با ۷۷۱۰۰۰ دلار قرار دارد، در حالی که سناتور میچ مک‌کانل، کارل لوین، رابرت مننذر، ریچارد وریان (۱۲) و صهیونیست دوستان دیگر هیچ شرمی نخواهند داشت که وقتی مشاوران صهیونیست در کمیته عملیات سیاسی از راه برسد، کاسه گدائی‌شان را دراز کنند. نماینده فلوریدا، ایلینا روز لهتینن (۱۳) با ۲۳۸۰۰۰ دلار در رأس فهرست دیده می‌شود و با موضع‌گیری صد در صد مدافع اسرائیل رکورد دار است و از خود نتانیاهو نیز جنگ طلب‌تر است.

اریک کانتور (۱۴) با ۲۰۹۰۰۰ دلار برای «جنگ برای اسرائیل» با قربانی کردن جان امریکائی‌ها و کاهش بازنشستگی برای سالخوردهگان. استنی هویر (۱۵) مأمور نظم اقلیت در اتاق کنگره ۱۴۴۰۰۰ دلار دریافت کرد تا چند دموکراتیک مردد را به صف طرفداران اسرائیل بازگرداند. رئیس اکثریت، جان بوهرنر (۱۶) ۱۳۰۰۰۰ دلار دریافت کرد تا همین کار را در مورد جمهوری خواهان انجام دهد.

اتحادیه قدرت صهیونیستی مبالغه‌گفتی را برای تنبیه و تخریب یک دوجین پارلمانی معترض که در مقابل جنگ‌های اسرائیل و فهرست مسخره آمیز نقض حقوق بشرش مقاومت کرده‌اند، خرج کرده است.

اتحادیه قدرت صهیونیستی میلیون‌ها دلار در اردوهای فردی خرج کرده، و نه تنها برای تأمین مالی نامزدهای اپوزیسیون که قول وفاداری به اسرائیل داده‌اند، بلکه برای اردوی اتهام‌زنی به منتقدان اسرائیل. این اردوها در مبهم‌ترین بخش ایالات متحده تدارک دیده می‌شود، حتی در اکثر بخش‌های جامعه سیاهان امریکائی یعنی جایی که منافع صهیونیست‌های محلی و نفوذ آنها کاملاً در حد صفر است.

چیزی شبیه کمیته عملیات سیاسی، سوپر کمیته عملیات سیاسی، رئیس حزب یا سازمان مدنی قابل مقایسه با آن که بتوانند مانع قدرت ستون پنجم اسرائیل شود وجود ندارد. بر اساس پرونده های آرشیو شده توسط پژوهشگر با شهامتی مثل گرانت اسمیت (۱۷) در مرکز مطالعات سیاسی خاورمیانه، وقتی موضوعی به اسرائیل مرتبط می باشد، وزیر امور قضائی قاطعانه از بکار بستن قوانین فدرال - دست کم از سال ۱۹۶۳ - امتناع می کند، یعنی قانونی که کار مخفیانه شهروندان ایالات متحده را برای یک دولت دیگر جرم دانسته و فرد خاطی سزاوار پیگرد قانونی می گردد.

از سوی دیگر اتحادیه قدرت های صهیونیستی با تکیه به آنچه معادل آن را در فرانسه «اتحادیه بین المللی علیه نژاد پرستی و ضد یهود» می نامند، با موفقیت وزیر دادگستری، اف بی آی و آژانس امنیت ملی را تحت فشار قرار داده تا در مورد شهروندانی که نظریه دزدی سرزمین فلسطین را مطرح کرده اند و یا در رابطه با بزهکاری صهیونیست ها در نظام سیاسی ایالات متحده انتقاد کرده اند، تحقیق به عمل آید و تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

بزهکاری و تخریب دموکراسی در ایالات متحده توسط «رسانه های معتبر» نیز صورت می گیرد. استیو لادمن، منتقد رسانه ها، در تحقیقی که درباره نیویارک تایمز انجام داده است، رابطه مستقیم بین اسرائیل و رسانه ها را یادآور شده است.

روزنامه نگاران اصلی (ظاهراً «عادل و متعادل») که درباره اسرائیل گزارش تهیه می کنند مناسبات خانوادگی و سیاسی با این کشور دارند و مقالاتشان چیزی به جز تبلیغات نیست.

اتان برونر (۱۸)، روزنامه نگار تایمز که پسرش در ارتش دفاعی اسرائیل خدمت کرده، یکی از مداحه گویان قدیمی دولت صهیونیست است. ایزابل کرشنر (۱۹)، روزنامه نگار تایمز که نوشته های او گوئی مستقیماً از وزارت امور خارجه اسرائیل صادر شده، این روزنامه نگار همسر هیرش گودمن (۲۰) مشاور رژیم نتانیاو برای «مسائل امنیتی» است. رئیس دفتر تایمز در اورشلیم، جودی رودورن (۲۱) در کمال آسایش در یک خانه به متعلق به اجداد یک خانواده فلسطینی زندگی می کند که از زندگی در این شهر قدیمی محروم شده اند.

موضع گیری خدشه ناپذیر نیویارک تایمز برای هواداری از اسرائیل پوشش سیاسی و توجیه کافی برای سیاستمداران بزهکار فراهم می سازد تا بر طبل جنگ برای اسرائیل بکوبند. جای شگفتی نیست که نیویارک تایمز و به همین گونه واشینگتن پست به شکل گسترده برای بی اعتبار سازی و تحقیر مذاکرات ایالات متحده و ایران بسیج شده اند. این رسانه ها فضای وسیعی را برای صرف و نحو یکجانبه سیاستمداران اسرائیلی و سخن گویان امریکائی شان فراهم ساخته اند، و از سوی دیگر با دقت خردمندانه ترین آراء و نظریات دیپلمات های قدیمی و باتجربه، فرماندهان نظامی خسته از جنگ و نمایندگان جهان تجارت و محافل دانشگاهی را حذف می کنند.

برای درک دشمنی کنگره با مذاکرات پیرامون موضوع هسته ئی ایران، و تلاش هایش برای به شکست کشاندن آن با تحمیل تحریم های مسخره جدیدتر، باید به سر منشأ مشکلات برویم، یعنی بیانیه های مردان کلیدی و سیاسی اسرائیل که خط مشی گماشتگانشان را در دولت ایالات متحده تعیین می کنند.

در پایان اکتوبر ۲۰۱۳، آموس یادلین (۲۲) رئیس اسبق اطلاعات وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرد که باید بین «بمب یا بمباران» انتخاب کنیم - و این پیغامی که بود که فوراً توسط ۵۲ نفر از رؤسای اصلی سازمان های یهودی امریکائی دریافت و تأیید شد [دیلی آرت، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳] - ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۳، وزیر اطلاعات اسرائیل، یووال استینیتز (۲۳) خواستار تحریم های جدید سخت علیه ایران شده است. او تأکید داشته است که ایالات متحده باید از این تحریمات به عنوان اهرم در مذاکره با ایران استفاده کند و این کشور را مجبور سازد که کاملاً برنامه انرژی هسته ئی و غنی سازی اش را متوقف ساخته و از آن قطع نظر کند.

وزیر دفاع اسرائیل موشه یالون (۲۴) اعلام کرده است که «اسرائیل هیچ توافقی که به ایران اجازه غنی سازی اورانیوم بدهد را نخواهد پذیرفت». در نتیجه، موضعگیری اسرائیل تهدید ایران به جنگ (از طریق ایالات متحده) است، اگر فوراً برنامه هسته‌ی اش را متوقف نسازد. این سیاست موضعگیری تمام اتحادیه عملیات سیاسی و سوپر اتحادیه عملیات سیاسی صهیونیستی مدافع اسرائیل و کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل را تعریف می‌کند که در عین حال بیانیه‌های کنگره را دیکته می‌کند. در نتیجه، این جریان صهیونیستی مجازات‌های اقتصادی سنگین تری را برای ایران به تصویب رسانده است تا مذاکرات را به شکست بکشاند.

آنهايي که رشوت‌های کلانتری گرفته‌اند از همه پرخاشجو تر هستند: سناتور مارک کیرک (۹۲۵۳۷۹ دالر) نویسنده طرح قانون مجازات‌های اخیر از ایران اکیداً خواسته است که تمام طرح برنامه هسته‌ی و بالیستیک خود را تعطیل کند. او اعلام کرده است که سنا «باید با یک سری جدید از تحریم‌های اقتصادی به پیش برود و تمام درآمدها و ذخیره دولت ایران را هدف بگیرد» [فینانشیال تایمز، ۱۸ اکتوبر ۲۰۱۳، صفحه ۶].

اتاق نمایندگان قانون محدودیت شدید ایران در فروش مهمترین کالای صادراتی اش یعنی نفت را به تصویب رسانده است. در این مورد نیز محور اسرائیل-اتحادیه قدرت صهیونیستی-کنگره در پی تحمیل طرح جنگ اسرائیل به مردم ایالات متحده است.

پایان اکتوبر ۲۰۱۳، وزیر خارجه جان کری طی هفت ساعت با نخست وزیر اسرائیل نتانیاهاو گفت و گو داشت. جان کری تن لث به او قول داده است که برای ارتقاء طرح اسرائیل بکوشد و برنامه غنی سازی هسته‌ی ایران را از بین ببرد.

برای مقابله با اردوی تحریم اقتصادی و نفت ایران که توسط بارکش‌های اسرائیل در کنگره سازماندهی شده، دولت ایران قراردادهای سخاوتمندانه‌ای به ایالات متحده و شرکت‌های نفتی اروپایی پیشنهاد کرده است [فینانشیال تایمز، ۲۹ اکتوبر ۲۰۱۳، صفحه ۱]. مقررات پروتکسیون‌یست موجود در حال حذف شدن است. بر اساس شرایط جدید، شرکت‌های خارجی خودشان مناطقی را که برای بهره برداری مناسب می‌بینند، انتخاب می‌کنند و یا در طرح‌های ایرانی شرکت می‌کنند. بر این اساس ایران امیدوار است که طی سه سال آینده دست کم ۱۰۰ میلیارد دالر سرمایه گذاری را جلب کند. این کشور با ثبات دارای بزرگترین ذخائر گاز و چهارمین ذخیره نفت جهان است. در حال حاضر به دلیل تحریم‌های ایالات متحده (یعنی اسرائیل)، تولید از ۳،۵ میلیون بشکه در روز طی ۲۰۱۱ به ۲،۵۸ میلیون بشکه در روز طی ۲۰۱۳ کاهش داشته است.

پرسش این است که آیا شرکت‌های چند ملیتی در ایالات متحده و اروپا قدرت اعتراض به دست یازی اتحادیه قدرت صهیونیستی به سیاست تحریم امریکائی – اروپائی را دارند یا نه؟

تا اینجا، اتحادیه قدرت صهیونیستی بر این سیاست تسلط داشته و با به کار بستن تهدید، باج خواهی و اعمال فشار روی تصمیم گیرنده‌های ایالات متحده شرکت‌های چند ملیتی را به حاشیه رانده. چنین امری عملاً شرکت‌های ایالات متحده را از بازار پر درآمد ایران محروم کرده است.

نتیجه

ایالات متحده و ۵ کشور دیگر که با ایران وارد مذاکره شده‌اند با مانع بزرگی روبه رو هستند که عبارت است از قدرت اسرائیل در کنگره. طی دهه‌های گذشته، مأموران اسرائیلی وفاداری اکثر اعضای کنگره را خریداری کرده‌اند و به آنها آموخته‌اند که چگونه مخالفت‌ها، علامات و طرح‌های جنگی جنگ سالاران تل آویو را بازشناسی کرده و از آن تبعیت کنند.

این «محور جنگ» خسارات زیادی به جهان وارد ساخته و موجب مرگ میلیون ها انسان در جنگ های ایالات متحده در خاور نزدیک، آسیای جنوبی و آفریقای شمالی شده است.

بزهکاری خشن و ورشکستگی سیستم قضائی که به شکل گسترده شناخته شده است، و بی گمان چنین وضعیتی برای ایالات متحده حاصل فرمانبرداری از یک قدرت خارجی بوده است. آنچه از واشینگتن باقی مانده یک دولت دست به سینه، تنزل یافته، تحقیر شده توسط شهروندان خود می باشد. اگر کنگره همچنان زیر کنترل اتحادیه قدرت صهیونیستی باقی بماند، و یک بار دیگر مذاکرات بین ایران و ایالات متحده را با قطعنامه های خصمانه جدید تخریب کند، ما، مردم ایالات متحده به خاطر آن باید بهای مالی و جانی سنگینی بپردازیم.

زمان آن فرا رسیده است که دست به کار شویم. زمان آن فرارسیده تا به پا خیزیم و نقش کمیته عملیات سیاسی صهیونیستی و اسرائیلی، سوپر کمیته عملیات سیاسی صهیونیستی و نقش ۵۲ سازمان یهودی امریکائی در خریداری کردن کنگره و تبدیل نمایندگان ما به خدمتگذاران طرح های جنگی اسرائیل را افشاء کنیم. در حال حاضر به شکل آشکاری منتقدان ما سکوت اختیار کرده اند و حتی نشریات آلترناتیو نیز در این زمینه فعال به نظر نمی رسند. مدارک به شکل باز قابل دسترسی و جنایات نیز انکار ناپذیرند. مردم ایالات متحده نیازمند رهبران سیاسی واقعی و با شهامت هستند تا بزهکاران را برکنار سازند و نمایندگان پارلمان را به نمایندگی منافع مردم ایالات متحده تشویق کنند.



James Petras

جیمز پتراس : پروفیسور قدیمی جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتن در نیویارک. آخرین کتاب او در ترجمه فرانسه :
چهره پنهان جهانی سازی : امپریالیسم در قرن بیست و یکم (پاراگون. ۲۰۰۲). و آخرین کتاب به زبان انگلیسی

پی نوشت :

(۱) Paul Wolfowitz, Douglas Feith

(۲) Martin Indyk, Dennis Ross

(۳) Scooter » Lewis Libby

(۴) Stuart Levey

(۵) Michael Chertoff

(۶) Rahm Emanuel

(۷) David Cohen

(۸) The Snake Jack » Jack Lew

(۹) Penny Pritzker , Michael Froman

(۱۰) Mark Kirk

(۱۱) John McCain

(۱۲) Mitch McConnell, Carl Levin, Robert Menendez, Richard Durban

(۱۳) Ileana Ros-Lehtinen

(۱۴) Eric Cantor

(۱۵) Steny Hoyer

(١٦) John Boehner
(١٧) Grant Smith
(١٨) Ethan Bronner
(١٩) Isabel Kershner
(٢٠) Hirsh Goodman
(٢١) Jodi Rudoren
(٢٢) Amos Yadlin
(٢٣) Youval Steinitz
(٢٤) Moshe Yaalon

گاهنامه هنر و مبارزه

١٩ نومبر ٢٠١٣

مرکز مطالعات جهانی سازی، ١٤ نومبر ٢٠١٣
منطقه: ایالات متحده، خاورمیانه و آفریقای شمالی
تحلیل: ایران

<http://www.mondialisation.ca/israel-a-achete-le-congres-us-le-sabotage-des-negociations-usa-iran/5358099>